

الرموز و مبانی ذوق شناختی شهرزوری

نادیا مفتونی^۱

ادریس محمود^۲

چکیده

کتاب الرموز والامثال اللاهوتیه اثر شمس الدین محمد شهرزوری که پیش از این تصحیح نشده، تنها نوشته فلسفی ذوقی شهرزوری و در بر دارنده مبانی ذوق شناختی شهرزوری است. البته این رساله حاوی مطالب متنوعی نظیر نورالانوار و نورشناسی، حکمت ذوقی، مسائل نفس و روح است که شهرزوری در عمده آنها به آرای سهروردی وفادار است. لکن در مقاله حاضر تمرکز بر آن بخش از آرای شهرزوری در الرموز است که در تدوین مبانی ذوق شناسی مفید واقع می شود.

در تحقیق حاضر، کتاب الرموز والامثال اللاهوتیه بر پایه چهار نسخه خطی که در قرن هفتم هجری کتابت شده اند به شیوه گزینشی تصحیح شده و انتساب آنها به شهرزوری مستدل شده است. علاوه بر این استدلالها، شیوه اشراقی و محتوای الرموز والامثال اللاهوتیه فی الانوار المجرّد الملکوتیه نیز این انتساب را تقویت می کند. نورشناسی شهرزوری، حکمت ذوقی و همچنین نفس شناسی وی همگی ارکان ذوق شناختی او به شمار می آیند.

کلیدواژه‌ها

شهرزوری، مبانی ذوق شناختی، الرموز والامثال اللاهوتیه، حکمت ذوقی، نفس شناسی، نورشناسی.

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، nadia.maftouni@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری دانشکده الهیات دانشگاه تهران، edrisismahmoud@gmail.com

▲ مقدمه: شهرزوری پای به راه شیخ اشراق

بر پایه پژوهش هایی که محققان زیست‌نگاشت و کتابت‌شناخت از شمس‌الدین محمد بن محمود شهرزوری انجام داده‌اند وی حکیم متاله و اشراقی بزرگ قرن هفتم هجری است. البته در مورد زندگی او تا کنون اطلاعات روشنی بدست نیامده و بنا به قول برخی از محققان شرح حال این فیلسوف به کلی مجهول مانده است (کربن، ص ۲۸۹). شهرزوری علی‌رغم این که کتابی مفصل موسوم به تاریخ الحکماء نوشته (شهرزوری، تاریخ الحکماء قبل ظهور الاسلام و بعده نزهة الارواح و روضة الافراح) لکن کسی شرح حال وی را ثبت نکرده است. مصحح رسائل الشجرة الالهية در مقدمه این کتاب راجع به زندگی شهرزوری نکاتی را آورده تا نشان دهد شهرزوری در چه تاریخی زیسته و کتابهای خویش از جمله رسائل را در چه زمانی به تحریر در آورده است، وی می‌گوید: "شهرزوری در رساله سوم تصریح کرده است که به سال ۶۷۸ هـ ق به نوشتن رسائل اشتغال داشته است و از آنچه در آخر رساله پنجم نسخه ترکیه از قول مؤلف نقل شده است برمی‌آید که وی در ۶۸۰ هـ ق رسائل الشجرة الالهية را به پایان رسانده است پس در حدود دهه ۶۸۷ می‌زیسته است." (حبیبی، نک: شهرزوری، رسائل، ج ۱، ص ۲۶-۲۷) برخی گفته‌اند شهرزوری در حدود ۶۸۰ هجری یا ۱۲۸۱ میلادی فوت کرده است (کربن، ص ۲۳۸).^۱ وقتی سهروردی در قلعه حلب زندانی گردیده شاگردی جوان

۱. اگر این نظر را قبول داشته باشیم تاریخ وفات شهرزوری با تاریخ وفات ابن خلکان متوفای ۱۲۸۲ میلادی یک سال تفاوت دارد (المنجد فی الاعلام، ص ۷).

به نام شمس الدین مصاحب او بوده اما بنا به قول کربن نمی‌توان آن را شمس الدین شهرزوری دانست خصوصاً اگر وی چنانکه به نظرمی‌رسد در ثلث آخر قرن هفتم هجری یا سیزدهم میلادی در گذشته باشد (کربن، ص ۲۸۹). ابن کمونه و قطب الدین شیرازی از جانشینان او بوده‌اند و به طرز مستوفایی از او استفاده کرده‌اند (کربن، ص ۲۸۹). به نظرمی‌رسد که وی در ایران و ترکیه سفر علمی داشته است اما اطلاع دقیقی در این باره در دسترس نیست. پس از شیخ شهاب الدین سهروردی، شهرزوری از اولین چهره‌های شاخص مکتب اشراق محسوب می‌شود. وی به علت همین شاخص بودن به شیخ اشراق مشهور گردیده است (کربن، ص ۲۸۸).

آثار شهرزوری نثر روان و رسا دارند و با قلم اشراقی نوشته شده‌اند، از این جهت پیروان زیادی را به مکتب اشراق جذب کرده‌اند به نحوی که نام شهرزوری همتای نام سهروردی شده و شهرت شرح شهرزوری بر کتاب حکمت الاشراق سهروردی کمتر از خود کتاب حکمت الاشراق نیست و با آن برابری کند. یکی از نوشته‌های مهم شهرزوری که تا کنون تصحیح و منتشر نشده کتابی است به نام الرموز والامثال اللاهوتية في الانوار المجردة الملكوتية که در مقاله حاضر میزان تاثیرپذیری آن از شیخ اشراق مورد تحلیل قرار گرفته است. در برخی از نسخه‌های این کتاب یا در فهرست بعضی از کتابخانه‌ها، نام این کتاب بـ «الرمز والامثال» و «الرموز والامثال اللاهوتية في الانوار المحمودة الملكوتية في معرفة النفس والروح» و «الرموز والامثال اللاهوتية في الانوار المجردة الكونية» نیز به چشمی‌خورد؛ اما نام و عنوان اصلی و قابل اعتماد این کتاب بر پایه یافته ما «الرموز والامثال اللاهوتية في الانوار المجردة الملكوتية» است. از یک سو در اکثر نسخه‌ها و در خود کتاب اسم کتاب بدین قرار آمده: «الرموز والامثال اللاهوتية في الانوار المجردة الملكوتية» و از دیگر سو محققان مختلفی از شهرزوری و کتابش یاد کرده‌اند. حاج خلیفه در کشف الظنون می‌گوید: «کتاب الرموز والامثال اللاهوتية في الانوار المجردة الملكوتية للحكيم الالهی والعالم الاشراقی الشیخ شمس الدین محمد الشهرزوری، اوله العظمة شعارک اللهم والكبرياء دثارک الخ شرحه الشیخ علی بن محمد الشهير بمصنفک المتوفى سنة ۸۷۱ هـ.» (حاج خلیفه، ج ۱، ص ۹۱۳) اسماعیل پاشای بغدادی هم در هدیه

العارفین تصریح دارد شمس الدین محمد بن محمود شهرزوری حکیمی است که در سال ۶۸۷ زیسته است و از کتابهای وی الرموز والامثال اللاهوتية است که در مجلد بزرگی قرار دارد (بغدادی، ج ۲، ص ۱۳۶). بابا مردوخ روحانی نیز در کتاب تاریخ مشاهیر کرد می گوید برآن است علامه شمس الدین محمد بن محمود شهرزوری از دانشمندان و فلاسفه اسلامی قرن هفتم هجری است و تألیفات زیادی در علوم فلسفه و حکمت و کلام از جمله الرموز والامثال اللاهوتية فی الانوار المجردة الكونية و شرحی بر بخش حکمت تلویحات به نام تنقیحات دارد (روحانی، ج ۱، ص ۹۷). محمد معین هم بعد از اینکه از شهرزوری و مقام والایش در فلسفه نام برده گفته است که شمس الدین از خویشاوندان سهروردی بوده و بر تلویحات شیخ اشراق شرح نوشته، سپسمی افزاید: «کتابی بنام الرموز والامثال اللاهوتية فی الانوار المجردة الملكوتية نگاشته که آن را شیخ علی بن محمد مشهور به مصنفک ۸۷۱ هـ ق شرح کرده است.» (معین، ج ۵، ص ۹۳۹)

▲ نسخه شناسی

ما کتاب الرموز والامثال اللاهوتية شمس الدین محمد شهرزوری را بر پایه چهار نسخه تصحیح کرده ایم:

د: نسخه خطی کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۶۹۶ که به خط نسخ نگاشته شده است. در آخر نسخه چند صفحه از کتابی دیگر به آن ملحق گردیده که خیلی خوانا نیست. گاهی در حواشی نسخه کلماتی تصحیح و عباراتی اضافه شده که بیشتر آن عباراتی است که از طرف ناسخ کتاب قطع یا به اشتباه نوشته شده است.

ت: نسخه ای در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۹۵۷۳ موجود است که اصل آن متعلق به کتابخانه عبد الوهاب فرید تنکابنی باشد و بدان با این عبارت اشاره شده: "خریداری از فرید تنکابنی". روی برگ اول نسخه سه مهر متعلق به کتابخانه تنکابن به چشممی خورد و اسم عبد الوهاب فرید تنکابنی هم بر آن نوشته شده است. در پایین تمام برگه های نسخه مهر و لوگوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران وجود

دارد.^۱ این نسخه مزین به جلد چرمی مقوایی سیاه و خط نسخ زیبا و کتابت زیبا و خواندنی است و در حواشی برگه‌های این نسخه تصحیح و تعدیل عبارات قطع شده دیده می‌شود. در صدر برگه اول نسخه نوشته شده است: "دست فروش"، پایین‌تر از آن "حکمة اشراق"، سپس شماره نسخه و نام کتاب به چشممی خورد. در نام کتاب، الف "ال" در دو کلمه الامثال و الانوار مفقود است، یعنی به این شکل: "کتاب الرموز و لامثال اللاهوتیه فی لانوارالمجرده الملکوئیه". نام "محمد کرد" در گوشه پایین سمت چپ نام کتاب آمده است.^۲ زیر عنوان کتاب، به صورت مایل سه بیت شعر تحریر شده است که دو بیت آن قابل خواندن و سروده ابونصر بدرالدین مسعود بن ابی بکر فراهی شاعر و لغت نویس متوفای سال ۶۴۰ هجری قمری پیرامون نحسی برخی ایام سال است:

«نحس باشد هفت روز اندر مهی

زو حذر کن تا نیابی هیچ رنج

سه و پنج و سیزده با شانزده

بیست و یک با بیست و چار و بیست و پنج»^۳

یادداشتی هم بدون مهر و اسم کاتب به خط نسخ در حاشیه پایین به چشممی خورد که بعید است خط ناسخ کتاب باشد. نویسندگان بر کسانی لعنت فرستاده که سبب شده اند خانه پیامبر خراب و زیر و زبر شود و اهل او به قتل برسند و شریعت او نقض شود الخ.^۴ مجموعه صفحات نسخه ۱۵۴ صفحه یازده سطری (جز صفحه اول) است که ناسخ در

۱. به نظرمی رسد کاتب این نسخه شیخ علی بن محمد مصنفک باشد. البته ما در این مورد تردید داریم، اما حاج خلیفه تصریح دارد که شیخ علی مصنفک شارح کتاب الرموز والامثال اللاهوتیه شهرزوری است (حاج خلیفه، ج ۱، ۹۱۳) شرحی که دسترسی به آنمی تواند حائز اهمیت بسیاری برای نسخه شناسان باشد اما تا کنون یافت نشده است.

۲. خالی از لطف نیست که بدانیم شهرزور شامل مناطق کردنشین بوده است و در زمان حیات شمس الدین محمد شهرزوری از اربیل تا همدان امتداد داشته است (الحموی، ص ۳۷۶).

۳. البته مصرع نخست در اصل نسخه خطی فراهی چنین آمده: "هفت روز نحس باشد در مهی" (فراهی، ص ۳۴) و در نسخه تصحیح مشکور با اندکی تفاوت به این ترتیب آمده: "هفت روزی نحس باشد در مهی" (ص ۵۸)

۴. «الهم العنهما فقد اخربا بیت النبوة والحقا سمانه بارضه وعلوه بسفله و شاخصه بخافضه و سناقتل اهله و ابادة انصاره و اشباعه و نقضا شرعه وهدما سقفه و ضربا بابه و غضبا سلطانه و قهرا سدانه و اخلیا محضره و شوها منظره و کابرا حقه و ظلما امیره و اضهدا دینه و قتلا طفله و جرحا شهوده و انتبها ماله و قطع الاختلاف الیه»

آخرین صفحه به زمان پایان کتابت یعنی شوال ۷۲۹ اشاره کرده است.^۱ در این برگه اخیر هم دو مهر کتابخانه فرید تنکابنی دیده می شود و نیز این چند سطر که به سختی خوانده می شود: «قرء هذه النسخة الشريفة اللطيفة على المولى الفاضل الكامل سلاله العلماء والحكماء افضل المتعبدين في عصره مولانا كمال بن احمد .. في سبع مائة سبع وستين .. حرره اثيرين هادي» و تعبیر "من منصور" ذیل آن آمده که گمان می رود نام یک کاتب باشد. چند بیت شعر فارسی و عربی هم نوشته شده که بیت زیر در این میان قابل خواندن است:

"بینی و بینک انی حجاب

وارفع بلطفک انی من البین"

س: نسخه خطی کتابخانه محمد بن سعود به شماره ۹۲۷ که مجموعه ای از چند رساله به خط نسخ است. مهر دانشگاه محمد بن سعود در آن دیده می شود، همچنین چند یادداشت که خوب خوانده نمی شود. این مجموعه مشتمل بر ۴۳ برگ ۲۹ تا ۳۱ سطری است. رساله های دیگر مجموعه عبارت اند از: «وهذه صورة جواب البيضاوي في الشيخ محي الدين بن العربي قدس الله سره»، «جواب الفيروزبادي في الامام محي الدين قدس سره»، «وهذه رسالة في الروح والنفس للمؤلف ايضا» که به نظری رسد رساله اخیر نیز متعلق به شمس الدین شهرزوری باشد.^۲

ش: نسخه شهید علی پاشا به شماره ۱۲۰۵ که کتابی دیگر هم به آن ملحق شده است به نام «کتاب سرور المستجلی لجزو وجوده الکلی» که متعلق به ابو عبدالله محمد بن عمر ابن الحسین الرازیمی باشد، از شیوه خط معلومی شود که نسخ هر دو کتاب یکی باشد و خط نسخه هم نسخ است. بر روی برگه ها در اول نسخه و آخر آن مهر شهید علی پاشا و چند یادداشت دیده می شود. این مجموعه مشتمل بر ۱۱۲ برگ ۱۵ تا ۲۰ سطری است که ۱۰۲ صفحه آن به کتاب الرموز و الامثال اللاهوتیه شهرزوری اختصاص دارد.^۳

۱. «تم الكتاب والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله الطاهرين وقع الفراغ من تنميته في منتصف شوال من سنة تسع وعشرون وسبع مائة»

۲. این رساله اخیر توسط ادریس محمود با همکاری جوتیار نریمان در حال تصحیح و تنقیح است.

۳. از آنجا که تاریخ نسخه ها بجز یکی مشخص نیست و نقضهایی در همه نسخه ها وجود دارد، ما در تصحیح متن شیوه «گزینشی» را انتخاب کردیم. در این کار علاوه بر تطبیق و مقایسه نسخه های موجود از شیوه تصحیح ادبی نیز استفاده کرده ایم، زیرا در برخی از نسخه ها

نسبت هر چهار نسخه بالا به شهرزوری روشن است. در برگ اول نسخه س آمده: «کتاب الرموز والامثال اللاهوتية في الانوار المجردة الملكوتية للحكيم الالهى و العالم الاشراقى الشيخ شمس الدين محمد الشهرزورى عفى الله عنه». در صدر نسخه ش هم با خط قرمز نوشته شده: «کتاب الرموز والامثال اللاهوتية في الانوار المجردة الملكوتية للامام العارف بالله المجهول في الارض المعروف في السماء نفعنا الله تعالى ببركته آمين». در گوشه اول صفحه هم نوشته شده: «في التصوف». در صدر نسخه ت نیز بدون ذکر نام مولف آمده: «کتاب الرموز والامثال اللاهوتية في الانوار المجردة الملكوتية». همچنین در صدر نسخه د نوشته شده: «کتاب الرموز والامثال اللاهوتية في الانوار المجردة الملكوتية للحكيم الالهى و العالم الاشراقى الشيخ شمس الملة والدين محمد السهروى رحمه الله». گویا ناسخ دچار سهوشده یا اسم شهرزوری و سهروردی را با هم آمیخته و اسمی نو "سهروی" خلق کرده است. به هر حال روشن است که شمس الملة والدين لقب شهرزوری است نه سهروردی.

اما ادله تحلیلی که می تواند نشان دهد کتاب الرموز والامثال اللاهوتية متعلق به شهرزوری است در دو قسم جایمی گیرد: ادبیات اشراقی کتاب الرموز والامثال اللاهوتية و آرای اشراقی مطرح شده در سراسر این کتاب.

▲ ارتباط محتوا شهرزوری با سهروردی: ادبیات و آرای اشراقی

کتاب الرموز والامثال اللاهوتية في الانوار المجردة الملكوتية نسبت به دیگر آثار شمس الدين محمد شهرزوری از جایگاه ویژه ای برخوردار است. چرا که الرموز والامثال اللاهوتية تنها نوشته فلسفی ذوقی شهرزوری است و نویسنده در این اثر با ادبیات و دیدگاه های اشراقی به تفصیل پیرامون حقیقت نفس و برخی مسائل مرتبط با آن سخن گفته است. به تعبیر برخی محققان شهرزوری در این کتاب بعضی از آرای نوفیثاغورسیان به مانند مساله هیکل نور و

و در بسیاری از جاها اشتباهات نحوی و صرفی به چشم می خورد که با توجه به قواعد ادبیات عربی آن دسته از اشکالات را نیز رفع و تصحیح کرده ایم. مواردی هست که ضبط هر چهار نسخه خطاست و ما با ذکر آن در پاورقی ضبط صحیح را در متن آورده ایم؛ همچنین مواردی هست متعلق به عناوین بعضی از سرفصلهای کتاب که ما آن را در یک درون قلاب - تا مشخص شود از آن نسخه ها نبوده - اضافه کرده ایم. در موارد نادر هم که به نظر ما نسخه ها افتادگی داشته اند واژگان یا عباراتی را قیاسا درون قلاب افزوده ایم. متن را تا حد ممکن اعراب گذاری و علامت زده ایم و آیات یا احادیث یا اقوالی را که درون متن آمده تا حد ممکن ارجاع داده ایم.

برخی دیگر از آرای سهروردی را توضیح داده است (کربن، ص ۲۸۹). می‌توان گفت وی در این کتاب آرای فیلسوفان یونان و مشائیان را می‌آورد و به نقد و تحلیل آنان می‌پردازد. در هر صورت آنچه که روشن است این است که شمس الدین محمد شهرزوری در کتاب الرموز والامثال اللاهوتية به بررسی مجموعه‌ای از مسائل فلسفیمی پردازد که از آن‌ها به طور کلی برای فهم حقیقت انوار مجردة و مجرد نفس و ماهیت نورانی آن استفاده می‌کند.

پیش از تحلیل ادبیات و آرای اشراقی شهرزوری، نگاهی به فهرست مسائل کتاب الرموز والامثال اللاهوتية ضرورت دارد. این فهرست خود تا حدی نشان دهنده ذائقه اشراقی کتاب مورد بحث است:

▲ تقسیم حکمت به حکمت بحثی و حکمت ذوقی

۱. درباره ماهیت نفس و حقیقت آن
۲. ناتوانی حس از شناخت خداوند و عقول مجردة و نفوس الناطقه^۱
۳. عدم تحدید و تعریف نفس
۴. درباره جوهریت و اینکه جوهریت امری اشراقی و غیر معین است
۵. درباره معرفت ذات بسیط
۶. در اینکه نفس برزخ میان موجودات علوی و سفلی است
۷. کیفیت ضیاء نفس و مجرد آن
۸. درباره ظهور شعاعی
۹. خواص نفس ناطقه
۱۰. عدم انقسام نفس ناطقه
۱۱. درباره عقل و شئون آن
۱۲. درباره دوگانگی عالم

۱. فبقی ان یکون بالعقل والعقل اذا ادرك شيئاً فاما ان یکون بالاستدلال البرهانی او بالاشراق الروحانی المعبر عنه بنفس الظهور ص ۱۸ نسخه پی دی اف.

۱۳. درباره اتحاد انوار مجرده
۱۴. ظهور مجهولات به توسط اشراق
۱۵. درباره اتحاد وعدم وقوع آن
۱۶. حجب نفس وموانع آن
۱۷. درباره اینکه جوهر نفس از نوع جواهر ملکوتی است
۱۸. درباره حواس پنجگانه ظاهری و فعل و انفعالات نفسانی
۱۹. در اینکه نفس عبارت از ظهور محض است
۲۰. متعلق نفس ناطقه
۲۱. درباره اینکه نفس خارج از عالم بدن و قوای بدن است
۲۲. درباره اینکه مجردات فاقد صور جسمیه هستند
۲۳. دقیقة ذوقیة
۲۴. اعراض و تفصیل آن
۲۵. اشد ظهور برای علت اولی است
۲۶. اطلاق معنی نور مجرد بر نفس ناطقه
۲۷. حدوث نفس نزد حدوث بدن و متقدم نبودن بر آن
۲۸. تتمه: کیفیت ظهور نفس وتعلقش به بدن هنگام کمال آن
۲۹. خاتمه کتاب: شروط واجب بر کسی کهمی خواهد از این کتاب بهره مند شود.^۱
- بررسی این مسائل توأم با ذکر آرا و افکار فیلسوفان پیشین از طرف شهرزوری و نقد وی بر آنان نشان دهنده تسلط فلسفی و استقلال رای شهرزوری است. مثلاً یکی از مسائلی که شهرزوری بر آن تاکید ورزیده مسئله عدم تحدید نفس است. وی روش تعریف و تحدید آن را آنگونه که در فلسفه مشاء و پیروان ارسطو رایج بوده به کلی رد کرده است. علاوه بر این بررسی تحلیلی محتوای کتاب الرموز والامثال اللاهوتیة اثبات کننده میزان پیروی شهرزوری از شیخ

۱. قابل ذکر است که اثرباشنده فاقد فهرست است و فهرست نمودن این مسائل از ماست، هرچند روشن است که آن را از درون مباحث کتاب اخذ کرده ایم و تقسیم مباحث کتاب و نیز برخی عناوین آن متعلق به خود شهرزوری است.

شهاب الدین سهروردی و مکتب اشراق است. روشن است که شهرزوری یک شارح تمام عیار مکتب اشراق بوده است. وی در حل مسائل بخصوص مسائل متعلق به نفس شناسی از تمثیل نور استفاده کرده است و آن را قضیه بنیادی و کلیدی برای حل مسائل دانسته و به قول ضیائی تربتی به تمثیل نور و حکمت فیثاغورسیان توجه خاصی داشته است (نک: شهرزوری، شرح حکمه الاشراق، ص ۲۷). در اینجا هم به بررسی تحلیلی ادبیات و سبک نگارش اشراقی و هم به بحث پیرامون دیدگاه‌های اشراقی شهرزوری می‌پردازیم.

از مقایسه شیوه نگارش و اسلوب ادبی این کتاب با کتاب‌های دیگر شهرزوری روشن می‌شود که نویسنده آن‌ها یکی است. برای نمونه شهرزوری در کتاب شرح حکمة الاشراق مقدمه ای دارد که با کتاب الرموز شباهت دارد: «و قد تحیر فی کنه عظمتک، لک خشعت اسماعنا، تبارکت فی بهاء و تعالیت فی کبریا الوهیه فردانیتک» (شهرزوری، شرح حکمة الاشراق، ص ۱-۲). وی همچنین تکیه کلام‌های خاصی در هر دو اثر دارد. مثلاً در شروع مباحث از عباراتی چون «اعلم ایدک الله، اعلم ان اللفظ، واعلم ان الجسم» (شهرزوری، شرح حکمة الاشراق، ص ۴۸-۵۶) استفاده می‌کند که هم در کتاب الرموز و الامثال اللاهوتیه هم در کتاب شرح حکمة الاشراق فراوان به چشم می‌خورد.

در کتاب الرموز و الامثال اللاهوتیه مباحثی پیرامون انواع انوار مجرد و احاطه انوار مجرد بر انوار عارض طرح شده است که این مطالب را در شرح حکمة الاشراق به ویژه در قسم دوم مربوط به انوار عالی و انوار سافلهمی توان مشاهده نمود (شهرزوری، شرح حکمة الاشراق، ص ۳۵۱). علاوه بر قرابت فکری، تشابه لفظی بسیار بالایی را هم می‌توان بین این مباحث دید. به عنوان مثال شمس الدین شهرزوری در کتاب الرموز و الامثال اللاهوتیه می‌گوید: «اعلم ان النور الاضعف لایمکن ان یحیط بالنور الاقوی علما و معرفة ولكن النور الاضعف اذا کان جوهره له شعور بذاته المجردة. ان النور کله حقیقة واحدة لا تختلف الا بالاشدیه و الاضعفیه و انوار العالم الجسمانی اعراض لا تقوم بانفسها. واعلم ان جمیع الانوار الالهیه المنبعثة عن المبدأ الاول مرتبة فی النزول، و کما کان النور اعلى مرتبة من مراتب العلل کان اتم و اکمل و اشد و اقوی و کما بعد فی مراتب المعلولیه کان اضعف و انقص حتی ینتهی النقص الی انوار لا تقوم بانفسها.» وی در شرح حکمة الاشراق نیز چنین آورده است: «النور السافل لا

یحیط بالنور العالی، فان النور العالی یقهره اما لیس لا یشاهده. فنور الانوار له قهر بالنسبة الی ما سواه. کل نور مجرد سافل فی المرتبة فانه لا یحیط بالنور المجرد العالی فی المرتبة العلیة، فان النور العالی لشدة نوریتة و ضعف نوریه السافل یقهره و یغلبه. و کل نور عالی فی المرتبة یشرق علی کل ما تحته فی المرتبة و کل نور سافل فی المرتبة یقبل الشعاع النوری ما فوکه مرتبة مرتبة.» (شهرزوری، شرح حکمة الاشراق، ص ۳۵۱-۳۶۳).

مساله دیگری که از باب نمونهمی توان مورد بررسی قرار داد، روی آورد اشراقی به حکمت بحثی است. این رویکرد هم در آثار شیخ شهاب الدین سهروردی قابل توجه است و هم در کتاب الرموز شمس الدین شهرزوری مشهودمی باشد.

شهرزوری در کتاب الرموز والامثال اللاهوتیة آورده است: "وهی ینقسم الی قسمین، ذوقیه و بحثیه، و اعنی بالذوقیه معاینه المجردات و معرفتها بالكشف لا بفکر و نظم دلیل و ترتیب حد و رسم بل بنور یقذفه الله فی القلب... و الحکمه البحثیه معینه فی هذا القسم... و اعنی بالحکمه البحثیه ما یعرف بنصب دلیل و اقامه برهان و ذکر حد و رسم و یحتاج الانسان فی هذا القسم الی استعمال الآلات البدنیة و درس الکتب الحکمیة و صاحب الذوق منزه عن هذا اذ علومه یحصل بالمکاشفه و المشاهده و هنالك نحمد جمیع القوى الحسیة و الخیالیة..." (نسخه تنکابنی، ص ۵-۶)

شهرزوری در عین حال که حکمت را به دو قسم ذوقی و بحثی تقسیم می کند و شرافت حکمت ذوقی را مورد تصریح قرار می دهد، حکمت بحثی را معین و مفید در حکمت ذوقی به شمار می آورد. این دیدگاه از مواضعی است که از حکمت اشراقی سهروردی به دست آمده است. حکمت ذوقی در مواضع مختلفی مورد تاکید شیخ اشراق است و در عین حال حکمت بحثی مضمون تالیفات متعدد سهروردی را به خود اختصاص داده است. شیخ اشراق به نحو کلی حکمت را به دو گونه بحث و تاله تقسیم می کند (سهروردی، مجموعه مصنفات، ج ۲، ص ۱۲) و اصطلاحات تاله، حکمت ذوقی و کشفی و شهودی را به یک معنا به کار می برد. از نگاه شیخ اشراق، حکمت بحثی می تواند مفید در راه حکمت ذوقی واقع شود. وی در رساله روزی با جماعت صوفیان سه نوع نگاه به آسمان را مطرح می کند که مشیر به این دیدگاه است: "گروهی به چشم سرنگردند و صحیفه ای کبود ببینند، نقطه ای

چند سپید بروی، و این گروه عوامند و بهائم را نیز اینقدر نظر حاصل باشد؛ و گروهی آسمان را هم به دیده آسمان بینند و این گروه منجمانند... اما کسانی که سر آسمان و ستاره به چشم سرنبینند و نه به دیده آسمان، الا به نظر استدلال، محققانند." (سهروردی، مجموعه مصنفات، ج ۳، ص ۲۴۷-۲۴۸) در این سخن شیخ اشراق در رویکرد به علم بحثی مقصود است: یکی هدف انگاری علم بحثی و دیگری طلب علم بحثی برای حکمت ذوقی. برای این اساس در رویکرد دوم علم بحثیمی تواند معین و مفید در حکمت ذوقی باشد هرچند لزوما چنین نیست.

نتیجه

الرموز شهرزوری به عنوان یگانه اثر ذوقی اشراقی وی، منبع و ماخذ آرای ذوق شناختی او به شمار می آید. البته اثرپذیری شهرزوری از سهروردی در کتاب الرموز در دو بخش سبک نگارش اشراقی و نیز دیدگاه‌های اشراقی کاملاً روشن است.

یکی از مبانی ذوق شناختی شهرزوری، نورشناسی اوست که شهرزوری در آن به شیخ اشراق وفادار و قائل به رابطه تشکیکی انوار عالی و سافله است. نور عالی نسبت به نور پایین حالت قهر و غلبه و اشراق دارد و نور سافل نسبت به نور عالی از حالت قبول و مشاهده برخوردار است. علاوه بر این، می‌توان به حکمت ذوقی اشاره کرد. در کتاب الرموز والامثال اللاهوتیه روی آورد اشراقی به حکمت بحثی که در آثار شیخ اشراق به چشمی خورد قابل توجه است.

نفس شناسی اشراقی نیز بر همه الرموز سیطره دارد. حتی یکی از نامهای این رساله الرموز والامثال اللاهوتیه فی الانوار المحمودة الملکوتیه فی معرفة النفس والروح است.

فهرست منابع

۱. بغدادی، اسماعیل پاشا بن محمد امین بن امیر سلیم، هدیه العارفين اسماء المؤلفين و آثار المصنفين، بیروت: مؤسسة تاریخ العربی، بی تا.
۲. حاج خلیفه، مصطفی بن عبدالله، كشف الظنون عن اسامی الكتب والفنون، مقدمه شهاب الدین مرعشی، بیروت: دار احیاء تراث العربی، ۱۳۸۹ ه ق.
۳. روحانی، بابا مردوخ، تاریخ مشاهیر کرد، عرفا، علما، ادبا، شعرا، به کوشش: محمد ماجد مردوخ روحانی. چاپ دوم، تهران: نشر سروش، ۱۳۸۲.
۴. سهروردی، شیخ شهاب الدین، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۲، تصحیح و مقدمه هانری کرین، چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰.
۵. سهروردی، شیخ شهاب الدین، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۳، تصحیح و مقدمه سید حسین نصر، چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰.
۶. شهرزوری، شمس الدین محمد، تاریخ حکماء قبل ظهور الاسلام و بعده نزهه الارواح و روضه الافراح، تحقیق عبدالکریم ابوشویرب، پاریس: دار بیبلیون، ۲۰۰۷.
۷. شهرزوری، شمس الدین بن محمد، رسائل الشجرة الالهية فی علوم الحقائق الربانية، تحقیق تصحیح و مقدمه دکتر نجفقلی حبیبی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۳.
۸. شهرزوری، شمس الدین بن محمد، شرح حکمة الاشراق، تصحیح و تحقیق و مقدمه: دکتر حسین ضیائی تربتی، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰.
۹. فراهی، ابونصر، دیوان فراهی، قم: کتابخانه عمومی دفتر تبلیغات اسلامی قم، شماره ۳۰۵.
۱۰. فراهی، ابونصر، دیوان فراهی، تصحیح محمدجواد مشکور، تهران: اشرفی، ۱۳۶۱.
۱۱. کرین، هانری، تاریخ فلسفه اسلامی از آغاز تا درگذشت ابن رشد، ترجمه اسدالله مبشری، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۱۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، چاپ هفتم، تهران: چاپخانه سپهر، ۱۳۶۴.
۱۳. الیسوعی، توتل، المنجد فی الاعلام، چاپ ۲۹، بیروت: دار المشرق، ۲۰۰۸.
۱۴. یاقوت الحموی، شهاب الدین ابی عبدالله، معجم البلدان، بیروت: دار الصادر، ۱۹۷۷.